

درویشی !

گرفته سینه ام از خلق و خوی درویشان !
که نیست شور و صفائی به کوی درویشان !

اگر که بود علی روح پاکِ درویشی
کجا برفته کنون آبروی درویشان !

به شهر عشق بگشتیم و خاک ره گشتیم
به پیش مقدم آن خو بروی درویشان !

ریا و خدعه نیرنگ کفر درویشی است
تظاهر است کنون در سبوی درویشان !

سرای عافیتِ جان مقام درویشی است
کنند اهل نظر جستجوی درویشان !

زبس که دام بدیده است جای دانه، دگر
رمیده مرغ دل از گفتگوی درویشان !

به روزگار اگر یافتی تو درویشی
ببند دل به سر تار موی درویشان !

رضا شاپوریان
پنجشنبه ۲۴ دسامبر ۱۹۹۸